

حسن روحانی دست خالی از مسکو بازگشت

نتایج همسویی با القاعده در چین امروز خود را نشان می دهد نفت و جهانی شدن - قسمت هشتم

کمک مالی- تسلیحاتی عظیمی که به امید صدور جمهوری اسلامی به چین خرج شد، حاصلی نداشت جز خدمت به استراتژی نفتی امریکا در حوزه دریای خزر و بی اعتمادی کامل به حاکمیت جمهوری اسلامی، که امروز در سفر حسن روحانی به مسکو خود را نشان می دهد!

در دوران اتحاد جماهیر شوروی شبکه لوله های نفتی، بندر باکو در آذربایجان واقع در سواحل جنوبی دریای خزر را به "تیخورتسک" در گرجستان متصل می کرد. این شبکه ارتباطی به "نورسیسک" در دریای سیاه می رسید و توسط قوای شوروی حفاظت می شد. چین در میان این مسیر استراتژیک لوله های نفتی قرار دارد. بعد از پایان جنگ سرد و بازگشایی بازارهای نفتی دریای خزر به روی سرمایه های خارجی، واشنگتن سعی کرد **اوکراین و گرجستان** را به کشورهای زیر نفوذ خود اضافه کند. عضویت این دو کشور در اتحاد "گوم" برای پروژه مسیر لوله های نفتی به سمت غرب و دور زدن "نورسیسک" و کاهش نفوذ مسکو فوق العاده مهم بود. به محض پایان جنگ سرد واشنگتن از طریق کمک به دو گروه شبه نظامی چینی سعی کرد این منطقه را از فدراسیون روسیه جدا کند. این کمک ها بصورت "عملیات مخفی" زیر نظر سازمان سیا انجام گرفت. شورشیان چین از کمک های سازمان ای.اس.ای پاکستان و شبکه القاعده بن لادن نیز برخوردار بودند. (به فصل دوم مراجعه شود- ضمناً جمهوری اسلامی نیز با زیر عنوان حمایت از مسلمانان چین همین سیاست را پی گرفت و عملاً در خدمت استراتژی امریکا عمل کرد. کمک های مالی و تسلیحاتی عظیمی چه مستقیم و توسط سپاه پاسداران و شورای تبلیغات اسلامی (آیت الله احمد جنتی) به چین سرزیر شد و چه بصورت غیر مستقیم و توسط القاعده ای که خود را آلت سیاسی سپاه پاسداران نشان میداد اما در واقع ساز مستقل خود را می زد و از درون رهبری تحت کنترل سازمان های جاسوسی امریکا و انگلستان بود. خشم روسیه و بی اعتمادی دولت روسیه نسبت به رهبران جمهوری اسلامی، امروز خود را در ملاقات حسن روحانی با پوتین نشان داد، که همانا همسویی بیشتر با امریکا و رد درخواست حمایت از فعالیت های اتمی ایران بود- **راه توده**)

در سال 1994 مسکو برای حفاظت از لوله های نفتی خود با شبه نظامیان چین وارد جنگ شد. در 1999 به هنگام ورود ارتش چینی به داغستان، لوله های نفتی روسیه بطور موقت از کار افتادند. بدنبال این وقایع بود که روسیه نیروهای نظامی خود را به چینی اعزام کرد. تمام شواهد حاکی از آن است که **سازمان سیا از طریق ای.اس.ای پاکستان عامل اصلی کمک به شورشیان چین بود**. اهداف مخفی واشنگتن کاهش نفوذ روسیه در مسایل نفتی بخصوص لوله های نفتی بود که از مسیر چینی و داغستان عبور می کردند. اما قصد واقعی واشنگتن جدا کردن چینی و داغستان از فدراسیون روسیه است که در آن صورت صدور نفت از دریای خزر تا دریای سیاه زیر کنترل و حفاظت اتحادهای نظامی غربی قرار خواهد گرفت. براساس این سناریو روسیه بطور کامل از دریای خزر جدا خواهد شد و شبکه های کنونی و آینده لوله های نفت و راه های حمل مواد سوختی بین دریای خزر و دریای سیاه به این ترتیب به دست غول های نفتی آمریکایی - انگلیسی خواهد افتاد.

کنسرسیوم بی پی اموکو

با پشتیبانی بی پی- اموکو رییس جمهور آذربایجان حیدر علی اف مقام‌های دولتی را بین افراد خانواده اش تقسیم کرد. تخمین زده می‌شود هشت میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در آذربایجان بیش از چهل میلیارد دلار سود به شرکت‌های نفتی می‌رساند. کنسرسیوم بی پی اموکو در پی خارج کردن رقیب روسی خود "لوک‌ویل" است. کنسرسیوم نفتی آمریکایی انگلیسی که توسط بی پی اموکو رهبری می‌شود کمپانی‌های دیگری مثل یونوکال و مک‌درموت پنس اویل و یک شرکت ترکی به نام ت.پ.آ. او را نیز در برمی‌گیرد. یونوکال در جریان عبور لوله‌های نفتی از افغانستان نیز دخالت دارد. (مراجعه کنید به فصل ششم) کنسرسیوم بی پی اموکو صاحب شصت درصد سهام شرکت بین‌المللی آذربایجان است. آ.ای.اوی.سی. در سال 1997 به کمک الگور که معاون رییس‌جمهور وقت (کلینتون) بود زمینه امضای یک قرارداد نفتی با شرکت ملی نفت جمهوری آذربایجان را فراهم کرد. طی این قرارداد کمپانی شورون (که اکنون در تکزاکو ادغام شده است) قسمت زیادی از ذخیره‌های نفتی آذربایجان را به تصرف خود درآورد. شرکت شورون در قسمتهای شمالی دریای خزر یعنی در قزاقستان هم بوسیله کمپانی "تتگیزشور اویل" فعالیت می‌کند. این بدان معناست که قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال 2000 دو رقیب کاندیدای ریاست جمهوری یعنی بوش و الگور نسبت به دو غول نفتی رقیب در حوزه دریای خزر تعهداتی داده بودند.